

هفته‌های آینده در بیمارستان اتفاقات عجیب و دشواری برایش پیش می‌آید. در تمام این مدت، شوهر او در يك مرکز درمانی دیگر مشغول خدمت است و علاوه بر تماس‌ها و پیامک‌ها، زمزمه‌های عاشقانه و دلی آن دو از راه دور و تحت تاثیر کرونا، رنگ عاشقانه کتاب را غلیظتر کرده است.

«بامداد امروز پس از سه روز جنگیدن، اولین فوتی کرونایی بیمارستان، همه کادر درمان را متاثر کرد و فضا را وحشتناک‌تر. کاش اکنون کنارم بودی محسن. کاش به جای این مکالمه‌های کوتاه تلفنی، سرم مهمان شانه‌هایت می‌شد تا کمی از بار غم دلم برداشته می‌شد. محسن، این منم. نرگس. ضعیف‌ترین دختری که تا به حال دیده‌ام. نمی‌دانی پس از مرگ پیرمرد، چه دلهره و اضطرابی در نگاه بیماران بستری در آی سی یو نهفته بود. همان‌هایی را می‌گویم که به هوش بودند و با چشمان خودشان مرگ يك نفر را نظاره کرده بودند. يك نفر که همه‌شان با او بیماری مشترکی داشتند. بار غم وقتی بیشتر شد که فهمیدم بچه‌ها قبل از بدتر شدن حال پیرمرد، با پسرش تماس گرفتند، ولی پسرش از ترس کرونا از آمدن به بیمارستان و تشکیل پرونده برای پدرش امتناع کرده است. بچه‌های بخش می‌گفتند از همان موقعی که پیرمرد نیامدن پسرش را فهمید، حالش بدتر شد و رفته رفته...»

یکی از نقدهایی که به نظر حتما این رمان وارد است این است که نویسنده تقریبا به نقش بی‌بدیل، اثرگذار و بسیار پراهمیت کادر پرستاری اعم از پرستاران بخش و کارشناسان بیهوشی و اتاق عمل نپرداخته است و می‌شود گفت فضای این رمان کاملا پزشکانه است و شامل تمام کادر درمان درگیر مبارزه با این بیماری نیست.

البته بنده انتظار ندارم که يك نویسنده در يك رمان بتواند به تمام وجوه وسیع مبارزه کادر درمان با چنین بیماری‌ای بپردازد و چون به‌شخصه از نزدیک در بطن این مبارزه بوده‌ام، می‌دانم که از نگرهبان دم در بیمارستان بگیرد تا کادر آزمایشگاه و رادیولوژی و حتی نیروهای عزیز خدماتی بیمارستان در جریان این جنگ تمام‌عیار، مجاهدانه جنگیده‌اند و واقعا نمی‌شود در يك رمان به تمام این مسائل پرداخت. ولی با توجه به این‌که بخش اصلی این رمان در بخش بستری و آی سی یو در جریان است و همگان می‌دانیم که نقش کادر پرستاری در این دو بخش به شدت مهم و حیاتی است، بهتر این بود که نویسنده به این مساله اهمیت شایسته‌ای می‌داد و فضای کتاب را از حالت پزشکانه صرف خارج می‌کرد. گرچه ناگفته پیداست پزشکان و متخصصان عزیز کشور ما برای مبارزه با این بیماری از جان مایه گذاشته‌اند و کسی منکر خدمات ایشان نیست، ولی وقتی قرار است کتابی عمومی با موضوع کرونا به مردم عرضه شود بهتر است جامع‌تر و همه‌گیرتر از پرداختن به يك قشر خاص از کادر درمان عزیز کشورمان باشد.

به هر صورت در نگاه کلی احساس می‌کنم که کتاب «دوران کوران» کتاب موفقی است و نمره بالایی از مخاطبان خود دریافت خواهد کرد. طرح جلد زیبا، اسم متناسب و ویرایش کم‌خطایی دارد. پیشنهاد می‌کنم در این روزها که زندگی همه‌مان به شدت با این بیماری درهم آمیخته است، این کتاب کرونایی را هم بخوانید. اتفاقاتی که برای نرگس، محسن و دوستان آنها پیش می‌آید، جذاب است و درگیرکننده. انتشار يك رمان خوش‌خوان درباره کرونا در این فاصله اندک را به فال نیک می‌گیریم و چشم انتظار کتاب‌هایی به مراتب قوی‌تر درباره این ویروس منحوس می‌نشینیم. این کتاب را انتشارات کتابستان معرفت منتشر کرده و در طول این چند روز اندک که منتشر شده است، به چاپ سوم رسیده است. [↓](#)



نویسنده:

سیدحسام‌الدین

رایگانی

انتشارات:

کتابستان معرفت

۳۱۰ صفحه

۴۵۰۰۰ تومان



مرور يك عضو کادر درمان بررمان کرونایی «دوران کوران»

جای پرستاران خالی!

می‌کنم شامل این کتاب نیز شده است. البته تطبیق این نکته با این کتاب در نظر خوانندگان مختلف متفاوت است. دوران کوران، ملودرامی عاشقانه (البته از نوع عشق‌های پس از ازدواج) با جانمایه بیماری کروناست که بین شخصیت اول رمان یعنی «نرگس» که رزیدنت عفونی است با محسن که متخصص چشم است جریان می‌یابد. داستان رمان، اندکی قبل از اعلام رسمی ورود کرونا به کشورمان در روزهای ابتدایی اسفند سال پیش شروع می‌شود.

نرگس پس از مرخصی چند روزه، از مشهد به تهران می‌رسد و مجبور می‌شود از فرودگاه مستقیم به بیمارستان برود. «سربالایی منتهی به بیمارستان را رد می‌کنیم. سر پیچ آخر صحنه‌ای می‌بینم که قرار نصفه نیمه دلم می‌ریزد. چند آمبولانس با چراغ‌های گردان قرمز پشت در ورودی بیمارستان ایستاده‌اند. یکی از راننده‌ها با صدای بلند با نگرهبان در ورودی بیمارستان حرف می‌زند.

...آقای محترم چند بار یگم؟

قبل از اینجا دو تا بیمارستان دیگه رفتم پذیرش نکردن. گفتن باید بیام این بیمارستان. مریضم بد حال. علائمش هم به کرونا می‌خوره. بیمارستان رو تخلیه کردین برای چی پس؟

برادر من اینجا هم ظرفیتی داره. استادیوم نیست که عرض کردم سوپروایزر بیمارستان باید اجازه بده که فعلا نداده...»

دوران کوران خوشخوان است و روان جلو می‌رود. گره‌هایی دارد که به‌جا و مناسب بازگشایی می‌شود و زبان کتاب کاملا در قالب رمان است نه صرفا يك خاطره‌نگاری کرونایی. روایت‌های کتاب برای خود من که جزو کادر درمان اتاق عمل هستم و در این چند ماه در خط اول مبارزه با کرونا نقش ناچیزی داشته‌ام، بسیار ملموس است و

علاوه بر عموم مردم، برای کادر

درمان کشورمان جذابیت

دوچندان پیدا خواهد کرد.

در ادامه نرگس وارد

کار شده و در طی روزها و

ابتدا می‌خواستم برای شروع معرفی کتابی که قرار است در این صفحه از آن بنویسم، مقدمه‌ای کوتاه درباره بیماری کرونا بنویسم و سپس معرفی کتاب را شروع کنم. ولی وقتی قلم به دست گرفتم مقدمه را شروع کنم، با خود گفتم که آیا واقعا کرونا نیازی به مقدمه دارد؟ نیازی به پیش‌درآمد دارد؟ اصلا این

روزها مگر موضوعی با اهمیت‌تر و فراگیرتر از کرونا در کشور ما و در تمام جهان وجود دارد؟ آیا در طول سال‌ها و حتی دهه‌های قبل، پدیده‌ای چنین وجود داشته است که تمام قشرهای مختلف مردم را درگیر خود کند و هیچ‌کس از شر آن درمان نباشد؟ حتی اگر به پدیده‌های عظیم و خاص و بی‌نظیر تاریخ معاصر خودمان مانند وقوع انقلاب اسلامی یا دفاع مقدس نیز نگاه کنیم، باز هم عده‌ای از اقشار مختلف مردم، تقریبا هیچ نسبتی میان خودشان و این پدیده‌ها احساس نمی‌کردند و از این مسائل فاصله داشتند. اما آیا کرونا، این پدیده شوم و بی‌نظیر که تمام جوانب مختلف زندگی دنیا و بلکه آخرت‌مان را تحت تاثیر خود قرار داده، اندک مصونیتی به احدی از مردم می‌دهد؟! پس چه نیاز به مقدمه داریم.

به هر صورت، بهانه این متن آغشته به کرونا، معرفی رمانی تازه از تنور چاپ بیرون آمده با همین موضوع به نام «دوران کوران» است. سیدحسام‌الدین رایگانی در فاصله کوتاهی پس از اولین رمان خود به نام «ایهام» که در شماره‌های پیشین قفسه کتاب خدمت‌تان معرفی شده است، رمان دوم خود را روانه بازار چاپ کرده و این نشان از وقت‌شناسی این نویسنده جوان است. البته حسام‌الدین رایگانی قبلا گفته بود به این زودی‌ها تصمیمی برای نگارش کتاب دوم خود ندارد، ولی همه‌گیری این بیماری او را به سمت انتشار این کتاب سوق داده است. گرچه بعضی‌ها معتقدند گاهی برای نوشتن درباره يك موضوع جامع‌الاطراف که تمام وجوه زندگی جامعه را تحت تاثیر قرار داده است، باید از نظر زمانی به اندازه کافی از آن فاصله گرفت؛ آن قدر که البته جزئیات ماجرا از یاد نرود، ولی از طرفی نیز دید نویسنده نسبت به موضوع محاط شود. گاهی با اجازه دادن به عبور و گذشت زمان، بسیاری از موارد از موضوعیت خارج و برخی دیگر از حاشیه به متن رانده می‌شود. نکته‌ای که احساس



اسماعیل بنده‌خدا

روزنامه‌نگار